

در آخرین چاپ مجله بلوچستان "پس از بحث پیرامون آخرین تحول در بلوچستان، به رفتاری  
 کلیه ما صورت داده شد که دکتر ایمن پیرامون (وضع) ۶ ماه اخیر بلوچستان "تغییرات  
 در سیاست، زبان، دست" جنبش خلق بلوچ (برز) "تغییرات مادر اختیاری رفتار رهبری را کرد.  
 قرار بود که این دکتر ایمن، چند روز قبل از حرکت من به پاکستان در اختیاری قرار بگیرد اما  
 آنجا کارهای تکمیلی صورت گرفته و کاری لازم دارد که ما نشان دادیم که این کارها  
 مجموع انجام دهند لذا علم غم مگر بر خود گذرانده می من با کار ایمن - دکتر ایمن تغییر کرده  
 از دست کافی بر خود داشت. معنی نظر به سیاست روز از فرد سال بلوچستان، توجه به  
 رفتار این مطالب طلب مکن.

محمد . ۱۷، ۸، ۶۸





بظهور نبردهای سیاسی به سال پهلوی ایران، جنگی به اندامی است که در تعصبات فعلی بخش عظیمی از مردم

نظر دارد، چنین برانی دیدگاه بهره / شرایطی در مبحث برای حرکات مسلحانه مبرور بوده به مع مردم از فتنه ای سازماندهی کردند.

تقریباً، (که نظریه های نبره ای است) - نبره ای شرایطی برای سرش اکثر اوقات مردم گسترده و دقیق تر شده و هم اکنون یکده نبره ای است.

مطوفت به کامیابی در مبحث در مبحث کرد. تا زمانی که به نبره ای صورت می گیرد به روشی که در فتنه ای مردمی در آن است.

مردم

۱- وضع همبندی ادوای در مبرور و پهلوی، زمانی در مبحث ایران قوی و مردمی جمهوری اسلامی قرار می گیرد، که به علت از دست رفتن استقلال

نبرد فرستاد - استند از نبره ای به نبره ای مردمی قرار می گیرد و از طرف دیگر بخش اکثری مردم بیای از نبره ای است که به نبره ای

در این نبره ای فعالیت نبره ای و استند به نبره ای مردمی قرار می گیرد. در مبحث طرف راست به اهداف عراقی گسترده در مبحث در مبحث

و از طرف دیگر هم به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی

به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی

مردم و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی

به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی

نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی

ایران مردمی و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی

مردم و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی

در مبحث ایران مردمی و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی

به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی

مردم و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی

به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی

مردم و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی

به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی و استند به نبره ای مردمی

۲- وضع سلطنت اغلب ها - این نیروها که قبلاً مسی می خوانند تا تمام عناصر را بسته به اوضاع و احوال در سردار و لشکر می فرستند تا مانند  
 حمزه در بعضی از زمان شخصی عمل کنند در این کار نیز این نیروها و بگفته اند که در این صورت در این حالت سلطنت طلب بوده و منطقه  
 هر گاه قتل می غنوه و توسط سلطنت <sup>طلب</sup> حاصل می شود است. این نیروها پس شروع در کارها در زمان اسل از جانب "عین بی جوش بر حقیقت  
 ایران" - تقریباً بطور مداوم اخبار و خبره ای از این نیروهای خاص می خوانند (دارای ایران و دارای نجاست) خطای آنها نیز تا به بر جنبه هند و روم  
 در آن این نیروهای خاص بود. البته قاعدتاً در این اخبار و خبره ها طرفدار می خوانند - هم اکنون از آن عمل که در نزدیکی و کنگان و جنوب  
 بر حقیقت هند و روم می کرد به مکرری از آنجا که سلطنت طلبان اینرا دیده می کردند.

۳- وضع اقلیت نسبت به بر حقیقت - این نیروها که قبلاً مسی خوانند تا تمام عناصر را بسته به اوضاع و احوال در سردار و لشکر می فرستند تا مانند  
 "بسی است" آن قطع می خوانند است. این نیروها که قبلاً مسی خوانند تا تمام عناصر را بسته به اوضاع و احوال در سردار و لشکر می فرستند تا مانند  
 اقلیت که مجلس دیش بر دیده آن قبلی است و فکر می کند که مجلس است از جمله در صورت عقب می انداخته است به سراسر اقلیت علیه نیروهای  
 روم منطقه زور می بردند آن تبلیغات خود را با زور می خوانند و کاذب قوی مجرب است و کنگان را به فرزند این نیروها می خوانند که مجلس  
 به بر حقیقت و کنگان پناه می برند. غمزه از اقلیت شروع می کند تا به حال با این اوضاع از مجلس می خوانند.

۴- وضع با این نیروها - حرکت این نیروها در سراسر ایران است. اوضاع در مجلس که بر جنبه ای از این نیروها که قبلاً مسی خوانند تا تمام عناصر را بسته به اوضاع و احوال در سردار و لشکر می فرستند تا مانند  
 دارد از آنجا که در این نیروها که قبلاً مسی خوانند تا تمام عناصر را بسته به اوضاع و احوال در سردار و لشکر می فرستند تا مانند  
 تقریباً غرب کرده ایران "نیز می خوانند. اکنون پس از آنکه می خوانند تا تمام عناصر را بسته به اوضاع و احوال در سردار و لشکر می فرستند تا مانند  
 در صورت کار در بر حقیقت است که کار خود بسته به اوضاع و احوال در سردار و لشکر می فرستند تا مانند  
 کت در کنگان یک نیروی ملی در دست است بنده اما کار در این تقیم نامیده است. از آنجا که بنده نیز در این کار است که آن نیز  
 در جنبه بر حقیقت است. در این اوضاع و احوال در سردار و لشکر می فرستند تا مانند  
 بر حقیقت می خوانند و علت آن نیز تقی حقیقت ملی در جنبه نسبت به مجلس است در این اوضاع و احوال در سردار و لشکر می فرستند تا مانند  
 در حال بر حقیقت ترش زحمت ~~در حقیقت~~ و در اقل اقلیت است که در این اوضاع و احوال در سردار و لشکر می فرستند تا مانند  
 روی همین می خوانند که در این اوضاع و احوال در سردار و لشکر می فرستند تا مانند  
 بر حقیقت به این نیز در کنگان غرب کرده ایران بود است و در این اوضاع و احوال در سردار و لشکر می فرستند تا مانند  
 به بعد از این که در این اوضاع و احوال در سردار و لشکر می فرستند تا مانند  
 در این اوضاع و احوال در سردار و لشکر می فرستند تا مانند

مستی بر اثر جانی و دانی از روی

موت بر اثر ... (بدون داشتن اطلاع از سطح رسوبات آنها با زنگه هر چه در آن است) ...  
و هویت عمیق آنی دانی ...  
مجموع دست برده ...  
کار در این خصوص ...  
در معنی ...

۵- در وضع ...  
کار در این ...  
مردمانی ...  
تفاوت ...  
موت ...  
که ...

که ...  
آنها ...  
عمره ...  
\* این ...  
۶- وضع ...

آن ...  
خیم ...  
باز ...  
عمره ...  
آن ...  
کویت ...  
وضع ...  
لا ...  
ساز ...

کلیت ...

قرار ...

۷- وضع اقتتال نسبت به جهت ایران - در این مورد اقتتال از بی خبری کامل برخوردار است. بیشتر به نظر در همان سالی در هم می آید.  
 ذکر کردیم از همان مغرب تره ایران پیش می برد. در هر چه می راهم فتنه را بیشتر در جهت کارهای (مجلس) خود در راه با خدا اقتتال است.  
 کجای می شود. در این، به خند ارکان شخصی که پس نگریده و هر روز با خدا به سبوت عالم سران اهدان خود را در این محاسن می گوید.  
 خلیفه بزرگواران، به غیر حکم می رسد و در محاسن هر کس که در این سبوت به سخن آید می باشد. چه می آید اما که از طریق قوم های  
 بزرگ ایران که بجز به ممالک وطن شده اند - اما آنکه در جهت یک سری منطقه با اولاد اطفال ارکان از راه در آن می آید. این که تا چه حد  
 عزت و کرامت است و بگویی به آئینه دارد. البته به نظر در این است که قدم می قدم خدا در آن ها به اقتتال است و صحت آن که در این  
 نیمی باشد که در این به اقتتال است اقدامات هم می نکرده است.

کمیون بهرج

(\*) همین توضیح (فصل) است بردا دمشق از سال

۱) رابطه رتقای افغانه با سایر بلوچستان از در طریق غیر مستقیم و نگاه سرکمانال (که نموی در راه با خدا است)  
 صورت بگیرد. الف) وزارت اطلاعات و امنیت دولتی، ب) رتقبه بن الملل حزب، ج) وزارت اقدام و قبایل  
 اما هم کار است، هم می آید از طریق و در این صورت، صوری و عملاً غیر مستقیم.  
 - ملاحظه ای برای تمرکز بخشی به این عملیه از قبالت صورت گرفته و در حضور به نتیجه می رسد. این عامل  
 هم در آن تاریخ لابلان محصلت ظاهر رتقای افغانه تا تیر گذار بوده و هم اخیراً در رابطه دمشق و خورما با  
 رفتار این عملیه از کار.

۲) رفتار توده ای از خانال الف) بهترین استفاده را کرده اند. اما در طی پروک، همیره خوبی ای کار کرد  
 نمود به مسئولین "خاد" عرضه کرده اند.

۳) تا تیر سیمای مادی رفتار افغانه (چه در طی مسئولین خاد در حالی و همروز و چه در رتقبه بن الملل، اتوآد  
 قبایل) زیاد و مثبت بوده است، به غیر از این که این که در آن است.

۴) رفتار سوری، روی ما (هم نظر) در نگاه و تحلیل (می که از ما در اختیار دارند) هم به سبب بزرگ روی نبرد  
 ما و هم عدم اعتماد به خوب - چیز که مستقیم یا غیر مستقیم بیان صادر از - (آنگاه دارند) همین استقار (در آن که چرا  
 کار اگر پیش می کشید، ما را دعوت به تدریس است می کنند.

۵) از تکرار نظریاتی (درجه و میزان شناخت ما از منطقه و نبرد) و نیز کیفیت ما در (افغان) سازمان در موقعیت بسیار مساعدی است  
 به نبرد از نظر و اراده اما که اصلی کار، "گفته به لوج" است که تا کنون تکمیل شده است. تشکیل یک کمیته تخصصی با کیفیت، دارای  
 اختیار کافی، و به منظور از راه های دیگر رتقبه تکمیل، می توان از آن در ماه ما در موقعیت بسیار خوبی قرار دهد.





پس از کششهای درونی می صل خوانند بر سر تقسیم امکانات مالی و تسلیحاتی که از سوی امپریالیسم با آنها داده شده بود که نهایت  
 منجر به بروز میر سلواد سردار زهی توسط امان مبارکی شد. پس از آن امان و رسول بخش هوشی درگیری با ژاندارمری یا کتان گشته شدند  
 پس از آن تحول دیگری صورت گرفت و آن سفر خانه ای به پایتخت بود در این سفر که در جریان اهداف و نتایج آن هسته فداکاری  
 بین ضیاءالحق و خانه امیر همدت گرفت که متعاقب آن برای کلیه جوانان اینز لیبون که در دست هاشمی بود که بعد محمد خان  
 میر لاثری به همراه حدود چهل تن با تیز ازای دوره دیده نیر فانه می نظامی سر هفت عامری که تا همین ۷۷ فنانده ژاندارمری  
 این شهر بود به منطقه لاث را کرده بر تیره در کوهستانها مشرف به بنیت و فتوح مستقر می شوند این حرکت به فداست  
 بنیت صورت پذیرفته و مختیار تر از این حرکت استقامت عمده و عمل آن تبلیغ زیاده نموده اکنون روشن شده است  
 که سینه از مردم طرح این حرکت در پایتخت و این از استوار آن در منطقه بر سیم فردی معلوم می باشد معروف است  
 که از معتدین محمد خان بوده است در جریان تیز اطلاع عامی داشته در روزهای نخست یک درگیری بین تعدادی پادشاه که مسلم  
 آنها را به طایفه پاپیاه و نیروهای محمد خان کرده است و دو تن از افراد تیز بر که یکی از آنها برادر زاده محمد خان بوده صورت می گیرد  
 که بر اثر تیز بابت آن یکی یکی مسلم و دیگری که می شوند و پس از آن درگیری با سلاح سبب اعدام می یابد در  
 این نزد و ظهورها که پادشاه گشته شدند و دو تن از افراد محمد خان به قدرت می رسند در روز هشتم اسفند ماه جاری یعنی  
 از که زندان سازمان بودیم زاهدان بنام ملازهی که از بستگان محمد خان بوده است تا به به میشود افزای روشن گشته  
 که وی را پادشاه امپراتور برده و از او خواسته اند که با محمد خان بسنوان میا می مذاکره کند. مضمون خواسته  
 پادشاهان آن بود که افراد منطقه را ترک کنند یا خود را تسلیم نمایند اما آنها این موضوع را رد نموده و گفته اند ما  
 خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی هستیم و هر کس با کمک کند در این راه می نیز میم هر عمل فداکاری است به نیت تیز رسید  
 و پادشاهان کلیه راههای منتهی به آن منطقه را بسته اند پس از آن عین درگیری براننده دیگر تیز بود که آمده که تعدادی  
 دیگر پادشاه گشته شده اند. عین روز قس تعدادی از پادشاهان معلوم می باشد که در آنجا اعدام شده اند  
 انعکاس حرکت در جامعه: بنا به اخبار رسیده مردم ایران شهر و حومه از این حرکت استقبال کرده اند که راهبری دال بر  
 آنکه تغییر روحیه با وجود ثوری از این بابت در میان کرده های مردم بوجود آورده شده و ما اخبار این حرکت که با  
 اغراق و حسینه به سینه منتشر می شود و همین ها و اشرار را با الفعلن نموده است. در سطح منطقه و البرزیه در منطقه سرلوان  
 دردها، آدکشی ها و گردنه گریه های تولا این قبیل افراد صورت گرفته که نسبتاً قایل توجه بوده است و برای مقامات  
 امنیتی سفارشی بوجود آورده است تعدادی افراد بیگناه را قربان این حرکات شده اند. گاه زندان در حال مأموریت  
 در تهران گام می که هم آنها فایس بوده اند. بنظر می رسد که این اعمال تیز بدون اهداف سیاسی صورت می گیرد تا به  
 منظورشان (منظور کردن امور جاری) باشد. اما این نوع حرکات ذهنیت قطب بندی جامعه به فارس و بلوچ را تشه  
 نموده است در زاهدان سیستانیا و فارس ها از بیم همه اشرار و قاچاق فروشان و مافیای و ناگرایانی تا امروز در حفظ

امنیت تکلیفات سنتی و فامیله خود را قوت می بخشند. افرادی که در قسمت های بلوچ نشین شهر زنده می گشته اند  
 از همین بهیم خانه های خود را به جاهائی که اکثریت فامیله نشین هستند منتقل می نمایند و فرجه لزوم تسلیح  
 در میان مردم شدت گرفته. نقش و وظیفه عنصر القدری و گاو را که هزاران قیمت دهند. اثرها بسیار دگمن  
 اصلی مت هدیه نموده اند. لزوم تبلیغات قدرتمند تا اثر گذارنده به این منظور حیاتی و الزامی است.  
 قریب دو ماه قبل در افروزی ماه یک نارنجک دستی در شلوغ ترین قسمت خیابان را نشاند. منفجر شد که با از روی  
 عوامل رژیم این کار صورت گرفت و با بر اثر عدم احتیاط هنگام خرید و فروش تدریجاً تا چاق فروشان  
 چون دور فر بعد بمب دست سازی در خیابان بلوچ ابراز شد. منفجر شد این تصور را که کار خود شروع  
 باشد تقویت میکند پس از این اتفاقات پاسداران در سطح گسترده ای شروع به دستگیری کسانی که عمده  
 هوادار جریان است شرقی خواه بودند نمودند. نتیجه دو تکرار کاروندان به دست آمد که یکی از آن  
 عضد قدر را کوی که هند در کتربیت بدین بوده است همچنین افراد دیگری دستگیر شدند که هستند  
 در مشیفات و وابستگی های سیاسی دقیق آنرا اظهار نمی ندرم. پس از آن در همه ادارات تأملات  
 بازرسی بدین لحاظ کار دارند و عکس العمل تقوی کنند و شدت بر ریب رجوع و کاروندان را به وجود آورده  
 هر چند پاسداران خیال داشتند این وضعیت را برای همیشه ادامه دهند اما در مقابل اعتراض مردم

عقب نشینی نموده و این کمبود مهم اکنون حذف شده است

مقدرت انتقاد و تشنگی های معیشتی و مالی بدلیل آسانی دست یابی به حبس طلبان و سرکوبگرانه  
 همچنین ظهور روز افزونی طبقات فقیر و اقشار متوسط جامعه را می نشاند. چیزی که قبل سالان  
 گذشت کشورها و ادعای منظم بجزیره گاوها را فریداری و به گشتار گاهک تهران برانداز این عمل  
 هم چیزی شراطی فضل کنونی که داعداران تا بدیه از بزرگوار و کورسفته خود را نمی فروخته قیمت  
 گوشت را که غذای اصلی مردم منظم است افزایش داده است هم اکنون گوشت گوسفند  
 کیلویش بمیان ۱۱۰۰ گاو و ۱۱۰۰ گاو به نسبتی تهیه می شود. کسب و کاری که بدیده شده و قیمت آن با زهم  
 افزایش یافته است. کونیتهای مربوط به برعکس با آنکه مدت زیادی از موعده آن گذشته است اعلام  
 شده بنفوا میرسد دولت بدلیل مقدرات ارز می در تهیه کالاها و اسبابی تری عاجز شده است  
 اکنون اوضاع بگونه ای است که هر خانواده که چیزی تری بیرونی گاری و فاضل دارد با دوندگی زیاد

خود را می‌توانستند خود را بکشند و کشته شدند. اکثریت مردم نیز که در سینه‌ها تحمل می‌کنند نیز نشان بهرستان خاتم الانبیا  
 و در زمانه افغانه اباذر در درگاه افغانه شلوغ راهبران، فرزند بسیار است از این می‌گویند ماه روز موارز در زیاده بهار غشی  
 و از حال رفتن دارم که با تریق سرم قندی آنرا از زنده می‌کنیم ولی ما نمی‌دانیم مردم را با سرم زنده نگه داریم  
 باید غذا بخورند. بی‌دری از اصف و صفتگران جزیه که در سطح منطقه کا، گاهای آفتوری، می‌ری  
 بدو شکیب ساری و... دارند بدلیل آنکه اداره کل صنایع موارز در این مثل آهن، چوب و موارز می‌باشد  
 نمی‌دانند در اختیارشان قرار دهند از میزان تولید و در آتش کجاست و بی‌شک آن هم آمار بیگانه  
 باز هم افزوده می‌شود. از تب و تاب دکه زنی و افتتاح مغازه‌های مجبور و اجور گامته شده است.  
 قدرت خرید مردم نسبت پایین آمده است به همین دلیل از میزان فروش دکه‌ها، برکت‌ها  
 و مغازه‌ها گامته شده است. مصلحت رفاهی کارکنان دولت شده است و است  
 افزایش زحمات و کار شده فراوان و حق نامور است و غیره کارندان و هر روز بیش از پیش ناتوان‌تر و  
 ناراضی‌تر می‌شوند. کارگران ساده و نیمه ماهر و ماهر سابقه نمی‌توانند انت شدید تقاضای مگرانی  
 بیگانه و دیاروی داشتن کار ناپی نمی‌توانند برنامه ریزی کنند. آفتوری بی‌دری از زنده جانان بیگانه و در سینه  
 به استمداد نیروها تقاضای درمی‌آوردند اما اکنون بدلیل رویش می‌توانند خود را از غلب از این استقبال گامته  
 شده این گاهش چشمگیر و داغ است موارز زیاده دیده می‌شود که جوان جهت داشتن اشتغال می‌تواند  
 و جباری به استمداد در نیروها مسلح بیدار می‌کنند اما خانواده‌ها ترسیده می‌دهند که سینه با سینه و کی فرزندشان  
 در جنگ کشته شوند از سوی دیگر فرصت طلبی که در مراکز می‌شود بازرگانان موارز توزیع امکانات می‌شود  
 صفتی وحی بهاری و غیره قدرتی به چنگ آورده اند که برای پول‌های بدست آورده خود هیچ برنامه‌ای  
 ندارند این پارا ترها جامعه را بوی آفت، فقیر و تر و تمندگانان نیز نموده و این قطب نیزه و اقتصاد  
 شدید فامی زیاد فزوده است حتی در محافل با سدار و هواداران رژیم تیر این بی‌عدالتی اقتصاد که بنام  
 و داشته. علمم آنکه رژیم از این بابت که مردم جهت بدست آوردن خود را در سایر مباحث خود در  
 صفت‌ها سرگرم اند و برای بدست آوردن در دکه بیشتر جهت کثرت زنی ساحت کارشان زیادتر است  
 وقت اندیشیدن به مسائل اهمیت و سیاسی ندارند. اکنون مردم گستاخ می‌شوند و پروا در حق می‌مانند  
 صفت‌های اشتغال، کجایی و حیای و ادارات و ضابطه را برای کله بر نفس می‌کنند. جابجایی را به کله بر معرفت می‌کنند

طفره‌های در زمینه به تدریج مسئولین می‌گردند، شعارهای اساسی و محرک‌های حکومت را تقبیح می‌نمایند به نحوی که  
 توهین مسکینه و از اوضاع زندگی خردشکوه می‌کنند بدین ترتیب مردم با صفت و واقعیت‌های گندمی توجیه‌شده اند  
 اما نوعی جو سیاسی مردم خوارانه بر وجود آورده است که خارج از تامل و اقتدار حکومتی آن است و این فضای  
 است که مردم بتدریج خرد بوجود آورده اند، از نظر اصرار می‌دان این نظر را نیز برت که مردم دیگر به این  
 حقیقت رسیده اند که امکان بهبود اوضاع و بازرقم اقتصاد و سیاسی از درون حکومت گندمی را نمی‌توان  
 متوقع بود و خرد و بی‌گناهی از ناب‌مانند می‌در آید و او در در و سرنگونی جمهوری اسلامی است اما این  
 چگونه به چه وسیله، از کدام راه و پشت سر کدام اکثریت یا توده مورد اعتماد در این روشن نیست همین دلیل  
 غیر عمیق اینگونه نارضایتی‌ها به عبارتی است، یعنی منتقل، هدفدار جهت‌دار نیست شکل می‌گیرد  
 بصورت دیگر زمینه جهت بر وجود آمدن حوادث اقتصادی کماقوت عسفت دارد اما نبود آئینه هدفمند  
 از رغبت مردم به منتقل شدن حول محورهای عینی می‌گردد البته این نظر به مفهوم نادیده گرفتن  
 اعتراضات جمعی ولی محدود و زودگذر و بی‌نتیجه واقعا می‌تواند منبت در دولت ماهه اخیر فعالترین  
 جوان‌های در سطح کشور که انداره‌ای مردم در این منطقه از آنجا حکمت می‌کنند و احزاب فعالیت‌کن  
 را برای یکدیگر نقل می‌کنند می‌دهند بوده اند. بنظر می‌رسد که در اینها بر اثر در کشاکش گیلان و مازندران  
 و غرب کشور این تأثیر کمتری بیشتر بوده است متعاقب وقایع نظامی و حکومتی همین بر حد اکثر  
 تا جمیع نیروهای گسترده‌ای در سطح کشور انجام گرفته که اخبار مربوط به آن در این منطقه نیز به  
 مردم یکس می‌شود به‌جز از این C. D. E. صدای می‌دهد یا گوننده‌ترین را در این منطقه  
 نیز از این می‌دهد و خانواده‌ها گوننده زیادی دارد. می‌دهد بدلیل دار بودن خط و برنامه روشن  
 و واقعیت در پیشبرد برنامه‌ها که در اینها گسترش بیشتری برقرار خواهد شد  
 نیروها سلطنت طلب خلع اختیار با اقتدار است اخیر خود در سطح منطقه بر تیره بلوچیه اهدا و زیر اقبال می‌کنند  
 ۱- در میان مردم نارضایتی به اعتقاد نسبی خوبی رسیده که در صورت مطرح نمودن اکثریت می‌توانند می‌توان  
 یا تیرین خود، کارکنان افواجی، بیگانان، مردم دیدگان از حکومت به شکل که کم نیستند در سطح